

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی سال دهم شماره دوم- پائیز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۹-۱۸۹

تأثیر سیاست جنایی سرکوب‌گرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به

سیاست جنایی اسلام

علی غلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۹/۱۴

محمد مهدی رحیمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۸

چکیده

سیاست جنایی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم جنایی است، که بحث‌های مهمی را به خود اختصاص داده است. تعریف سیاست جنایی و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن با گذر زمان دست‌خوش تغییرات اساسی و بنیادینی گردیده است و در هر دوره تعریفی کامل و جامع‌تر نسبت به تعاریف قبلی توسط دانشمندان مطرح علوم جنایی ارائه شده است. مهم‌ترین مبحث در سیاست جنایی، انتخاب یکی از دو ایدئولوژی سرکوب‌گرانه (امنیت‌گرا) و بازپذیری است، که با انتخاب هریک از این دو ایدئولوژی مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی نحوه برخورد کلی خود را با جرائم و مجرمین در جامعه تنظیم می‌کنند. لذا در این نوشتار سعی بر آن شده است، تا با تبیین سیاست جنایی سرکوب‌گرانه به زمینه‌های تمایل مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به سیاست جنایی سرکوب‌گرانه و همچنین عوامل مؤثر در کاهش جرائم به واسطه پیاده نمودن چنین سیاستی در جامعه اشاره شود و در عین حال با اشاره به مدل سیاست جنایی اسلام، دو ایدئولوژی فوق‌الذکر در قالب دینی مورد نقد قرار گیرد.

واژگان کلیدی

سیاست جنایی، سیاست جنایی سرکوب‌گرانه، سیاست جنایی بازپذیری، جنبش‌های سرکوب‌گر

* عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق(ع) 1355gholami@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات law.rahimi@yahoo.com

علوم جنایی^۱ به علومى اطلاق مى‌گردد، که موضوع اصلی آن‌ها جرم مى‌باشد، اگرچه در علوم جنایی به‌طور کلی چند موضوع مانند جرم، مجرم، بزه‌دیده و محیط از جهات مختلف مورد بررسی قرار مى‌گیرند. لکن تمرکز اصلی در این علوم بر روی پدیده جرم و بزه مى‌باشد. در این حوزه دانشمندان تقسیم‌بندی‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند، اما در یک تقسیم‌بندی جامع، علوم جنایی به چهار دسته کلی علوم جنایی حقوقی، علوم جنایی تجربی، فلسفه کیفری و سیاست جنایی تقسیم مى‌شود. علوم جنایی حقوقی^۲ شامل رشته‌هایی مى‌شود، که باید آنها^۳ را مشخص مى‌سازند، مانند حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای بین‌الملل. در مقابل، در علوم جنایی تجربی^۴ علومى از قبیل جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری مطرح مى‌گردد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بین علوم جنایی تجربی و علوم جنایی حقوقی در رویکرد این علوم به بزه و بزه‌کار است. در علوم جنایی حقوقی رویکردی غیرشخصی و عینی اعمال مى‌گردد، در حالی که در علوم جنایی تجربی رویکردی شخصی به جرم و مجرم اتخاذ مى‌شود. دسته دیگر از علوم جنایی فلسفه کیفری مى‌باشد، که مباحث مطروحه در آن مربوط به تاریخ و پیدایش کیفر، نظام‌ها و عدالت کیفری^۵ مى‌باشد. دسته آخر از علوم جنایی که از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است، سیاست جنایی^۶ مى‌باشد.

در سیاست جنایی به ابزارها و اهدافی که مدیران و تصمیم‌گیران جامعه، بدنه غیررسمی (جامعه مدنی) و حوزه عمومی علیه فعل یا ترک فعل ناقض قانون به کار مى‌گیرند، پرداخته مى‌شود. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائلی که در این زمینه مطرح مى‌شود این است، که این ابزارها در هر کشوری متفاوت است. لذا باید به دلایل این تفاوت و انگیزه انتخاب این رویکرد از سوی مدیران و مسئولان سیاست جنایی توجه شود، تا با دریافت و شناخت رویکرد مفید و آثار مثبت مرتبط با آن به تئوریزه و سپس کاربردی کردن آن در جوامع فعلی پردازیم.

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۶۱

در این نوشتار، نخست به تعریف سیاست جنایی و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن خواهیم پرداخت و در ادامه به تعریف جنبش‌های سرکوب‌گر و عوامل تمرکز کشورها بر این جنبش‌ها اشاره خواهیم کرد و سپس به تأثیر اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در کاهش میزان نرخ جرائم^۷ خواهیم پرداخت. در عین حال با اشاره‌ای به سیاست جنایی اسلام و تبیین مدل خاص آن، ارتباط و نسبت آن با ایدئولوژی‌های رایج در سیاست جنایی بررسی خواهد شد.

۱. سیاست جنایی

ریشه و اساس سیاست جنایی را در هر کشوری می‌بایست در چرخه جنایی آن کشور جست‌وجو کرد، به این شرح که چرخه جنایی در همه جوامع بشری از دیرباز تاکنون از سه مرحله تشکیل شده است؛ مرحله اول وضع قوانین و مقررات می‌باشد، که جامعه و مدیران و تصمیم‌گیران آن با ارزش‌گذاری برخی اعمال و برداشتن ارزش از برخی اعمال دیگر، روی به تبیین جرائم می‌آورند و فعل و ترک فعلی را که افراد جامعه می‌بایست از آن اجتناب کنند، مشخص می‌سازند. (ارزش‌گذاری تقنینی و کیفری). در مرحله بعد عده‌ای از افراد جامعه با نقض قوانین مطروحه در مرحله اول و تعدی به ارزش‌های مورد قبول جامعه گام بلندی را در ارتکاب عمل مجرمانه بر می‌دارند و مرتکب جرم کیفری می‌شوند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵، ص ۸) وضعیت این افراد را باید در مرحله آخر یعنی واکنش جامعه^۸ علیه فعل یا ترک فعل ناقض قانون بررسی کرد، که این واکنش در قالب تدابیر پیش‌گیرنده و تدابیر سرکوبنده قابل بررسی می‌باشد. پیشگیری از بزه‌کاری یعنی مبارزه با عوامل تکون آن، که می‌توان آن را با ابزارهای متعدد قانونی به ثمر رساند. این ابزارها عبارتند از، تدابیر عمومی پیشگیری اجتماعی، اقدامات تأمینی و تنظیم فهرستی از جرایم و مجازات‌ها و آگاهی رسانیدن به افراد جامعه. در مقابل تدابیر سرکوبنده هنگامی به کار می‌رود، که جلوگیری از عمل ضدا اجتماعی میسر نباشد، که در آن صورت، کیفری که در قانون پیش‌بینی شده با مراعات تشریفات دادرسی صادر و طبق قواعد اجرایی به محکوم علیه تحمیل

می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۸۲، صص ۳۶-۳۸) بنابراین لازمه این که مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی بتوانند روی کرد خود را برای برخورد با فعل یا ترک فعل ناقص قانون تنظیم و مشخص کنند آن است، که آن عمل چرخه جنایی را گذرانده باشد. لذا نکته اساسی و قابل تأمل، مرحله آخر یعنی مرحله واکنش جامعه علیه فعل یا ترک فعل ناقص قانون می‌باشد، زیرا این واکنش در هر جامعه و دوره‌ای متفاوت بوده است و هر یک از مدیران و تصمیم‌گیران، سیاست خاص و معینی را اتخاذ کرده‌اند. به عنوان نمونه در دوره‌ای با هرگونه فعل یا ترک فعل مجرمانه به شدت برخورد می‌کردند و در دوره‌ای دیگر به اصلاح و درمان مجرم و طریقه پذیرش وی از سوی افراد جامعه پرداخته‌اند. بحث علمی پیرامون این سیاست و ابزارها و اهداف، مربوط به حوزه سیاست جنایی می‌باشد.

سیاست جنایی اولین بار توسط آقای آنسلم فون فوئرباخ^۹ در کتاب حقوق کیفری‌اش در سال ۱۸۰۳ مطرح شد. وی سیاست جنایی را به این شرح تعریف کرد: «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن علیه جرم واکنش می‌دهد». (نجفی آبادی، ۱۳۷۵، ص ۹) با توجه به تعریف فون فوئر باخ به نظر می‌رسد؛ اولاً وی عمدتاً وسائل قهرآمیز و تبلیغی را ابزار سیاست جنایی می‌دانسته (پیشگیری کیفری) و قائل به پیشگیری^{۱۰} غیرکیفری نبوده است و ثانیاً وی تنها، کارکرد شیوه‌های سرکوب‌گرانه را برای پیشگیری از جرم مؤثر می‌دانسته است و به بحث انحراف اجتماعی توجهی نداشته است و ثالثاً مجری سیاست جنایی را تنها دولت (جنبه رسمی و عمومی) دانسته و بحثی از جامعه مدنی و نقش آن در جلوگیری از ارتکاب جرم و بزه نکرده است. در همین راستا در سال ۱۸۹۰ آقای فون لیست^{۱۱} در کتاب «مفصل حقوق کیفری آلمان» سیاست جنایی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه اصولی که دولت و جامعه به وسیله آن‌ها مبارزه علیه بزه را سامان می‌بخشد». که این تعریف نیز با تغییر اندک همان مشی تعریف جناب فوئر باخ را دنبال کرده است. حدود نیم قرن بعد در سال ۱۹۳۸ دندی یو دو وابر^{۱۲} در کتاب «سیاست جنایی دولت‌های اقتدارگرا -

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۶۳

اوتوریت^{۱۳} به تعریف سیاست جنایی پرداخت و چنین بیان کرد: «سیاست جنایی تکنیکی می‌باشد، که موضوع آن یافتن طریقی برای مقابله با جرم است». با اندکی تأمل در این تعریف می‌توان فهمید که وی نیز همان نظر فون فوئر باخ را ملاک تعریف خود از سیاست جنایی قرار داده است. (Donnediude vabres, 1938) تا این زمان اندیشه حاکم بر تعاریف و مفاهیم علوم جنایی با مدنظر قرار دادن مکتب اصالت جامعه بود، تا این که بعد از جنگ جهانی دوم مکتب اصالت فرد ظهور و بروز یافت و نظریات و تعاریف علوم جنایی نیز به تبع به این سمت متمایل گردید و بحث‌هایی از قبیل؛ اهمیت به مجرم به عنوان عنصری از جامعه و بازپذیری وی، نقش جامعه در انحراف و انحطاط فرد و ارتکاب عمل مجرمانه مورد توجه قرار گرفت. در این اثناء تعاریف علماء و دانشمندان حقوق از سیاست جنایی نیز به این سمت متمایل گردید، تا این که در سال ۱۹۷۵ آقای آنسل تعریف و معیار جدیدی را در این زمینه ارائه کرد و در آن علاوه بر جرم به انحراف که یک مفهوم اجتماعی است، نیز توجه نمود و همین‌طور علاوه بر سرکوب به پیشگیری از جرم نیز پرداخت.

در سال ۱۹۸۳ خانم دلماس مارتی^{۱۴} در کتاب «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی»^{۱۵} سیاست جایی را «مجموعه روش‌هایی که هیأت (پیکر) اجتماع با توسل به آن‌ها، پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد». (Marty, 1983) تعریف کرد، که نقطه برتری این تعریف در این بود، که اکثر خلاءهایی که در تعریف اولیه از سیاست جنایی وجود داشت را در بر می‌گرفت، به عبارت دیگر در این تعریف علاوه بر دولت، جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی از قبیل سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... برای پیشگیری از جرم فراخوانده شدند. همین‌طور به بحث جرم و انحراف توأمان پرداخته شد. در کل با توجه به تعاریف ارائه شده، تعریفی که خانم کریستین لازرژ^{۱۶} با الگوبرداری از کلیه تعاریف مطروحه و در نظر گرفتن مؤلفه‌های سیاست جنایی بیان می‌کند، به این شرح است: «سیاست جنایی کلیه اقدام‌های سرکوب‌گرانه (کیفری و غیرکیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌باشد، که دولت و جامعه مدنی هر

یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان یافته یک‌دیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزه‌کاری و بزه‌کاران و نیز پیشگیری از بزه‌کاری و انحراف استفاده می‌کنند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۴) همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، تعریف مزبور، کلیه مفاهیم مطروحه در سیاست جنایی را تحت پوشش قرار می‌دهد و در حال حاضر تعریف کامل و جامعی برای سیاست جنایی می‌باشد. در این تعریف اقدام‌های پیشگیرانه در مقابل اقدام‌های سرکوب‌گرانه مطرح گردیده است و از جنبه غیررسمی یعنی جامعه مدنی برای پیشگیری و مبارزه علیه جرم با همکاری دولت نام برده شده است. همچنین در کنار بزه از انحراف و پیشگیری نیز یاد شده است. با توجه به این تعاریف و نوع نگاه فوق اگر تعریف و مفهوم سیاست جنایی، مجموعه عملکرد جامعه برای مدیریت پدیده مجرمانه دانسته شود، در همان ابتدای استقرار حکومت اسلامی و در میان فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) نگاه جامع این‌گونه‌ای به پدیده مجرمانه به روشنی قابل مشاهده است، اما در بیان اندیشمندان این رشته خصوصاً خانم مری دلماس مارتی و کریستین لازرژ نه تنها اشاره‌ای به آموزه‌های عالی اسلام در این مقوله نشده است، بلکه سیاست جنایی منطبق با معارف اسلامی را یک مدل اقتدارگرایی تام و همزاد فاشیسم تعریف نموده است، که البته این امر را می‌توان ناشی از کم اطلاعی این حقوق‌دانان از معارف اسلامی دانست. (دلماس مارتی، ۱۳۸۷، صص ۲۲۹-۲۲۸؛ لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۷۱)

مدل سیاست جنایی اسلام را می‌توان یک مدل مشارکتی مردمی - دولتی و در عین حال درونی - بیرونی دانست، که قابل تطبیق تام بر هیچ‌یک از مدل‌های معمول دولتی و جامعه‌ای نمی‌باشد و می‌توان آن را یک مدل منحصر به فرد خواند، که ویژگی‌های خاصش آن را در قالب‌های مصطلح سیاست جنایی قابل تعریف نمی‌نماید. دلیل اصلی عدم امکان صدق مدل‌های معمول سیاست جنایی به سیاست جنایی اسلام را باید در تحلیل اصول حاکم بر عناصر و ارکان اصلی تحلیل ساختاری و مدل‌بندی سیاست جنایی معمول در غرب دانست. این تقسیم‌بندی و تحلیل‌های مرتبط

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۶۵

با آن همگی از یک خاستگاه لائیک - لیبرال که به عنوان دیدگاه حاکم بر غرب مطرح می‌باشد، ناشی می‌شود و لذا عناصر، ارکان و برخی پیش فرض‌های زیربنایی موجود در آن چندان انطباقی با واقعیت‌های موجود در سیاست جنایی اسلام ندارد. تقسیم هنجارها به هنجارهای حقوقی و اجتماعی، تقسیم رفتارهای ناقض هنجار به جرم و انحراف و نیز تقسیم‌بندی عکس‌العمل‌ها به پاسخ دولتی و اجتماعی، با نظام هنجاری فراگیر اسلام و نقش قابل توجه قربانی در پاسخ کیفری به برخی از جرایم در سیاست کیفری اسلام، سازگاری ندارد. بنابراین اگرچه می‌توان نظام سیاست جنایی اسلام را دارای اشتراکاتی با برخی مدل‌های پنج‌گانه سیاست جنایی دانست، اما قرارداد آن در قالب این مدل‌ها با توجه به اختلاف اصول حاکم میان آن‌ها مقدور نیست و لذا باید گفت، که سیاست جنایی اسلام یک سیاست جنایی مشارکتی (دولتی - مردمی) و در عین حال درونی - بیرونی است. البته باید توجه داشت، که منظور از مشارکتی بودن سیاست جنایی اسلام لزوماً پاسخ‌دهی دولتی یا اجتماعی به بزه یا انحراف نمی‌باشد، زیرا در سیاست جنایی اسلام، پاسخ دولتی لزوماً به معنای پاسخ کیفری و پاسخ اجتماعی ضرورتاً به معنای پاسخ غیرکیفری نمی‌باشد، در عین این‌که مباحثی همچون امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت متقابل همگانی و پیشینی نیز جزء عناصر اختصاصی این سیستم می‌باشد.

از سوی دیگر قید درونی در سیاست جنایی اسلام به معنای عناصری همچون وجدان که کانت و روسو به آن اشاره می‌کنند، یا حالت ناشی از آموزش‌های اجتماعی و... نمی‌باشد، بلکه منظور از آن وجود گزاره‌ای تحت عنوان خود عالی^{۱۷} در وجود انسان است، که با حاکمیت آن بر وجود فرد، وی از انجام هرکاری که برخلاف کرامت و تعالی خویش است، خودداری نموده و دایره رعایت آن فراتر از جرم و انحراف به معنای گفته شده در ادبیات حقوقی حقوق‌دانان است.

۲. ایدئولوژی‌های مطرح در سیاست جنایی

بحث اساسی در سیاست جنایی الگوبرداری و انتخاب مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی در روی‌کرد^۸ خود به بزه و جرم و انحرافات اجتماعی می‌باشد، به عبارت دیگر آیا مدیران و تصمیم‌گیران در برخورد با بزه و انحراف اجتماعی به شدت به آن پاسخ می‌گویند یا با مدنظر قرار دادن روش‌های بازپذیری و اصلاح و درمان مجرم با جرم و بزه به عنوان پدیده‌ای که از دل اجتماع بیرون آمده است و مجرم و بزه‌کار را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق داده برخورد می‌کنند. در این راستا روی‌کرد و واکنش مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به جرم و مجرم از دو ایدئولوژی سرکوب‌گرانه (امنیت‌گرا) و ایدئولوژی بازپذیری نشأت می‌گیرد که به تفکیک به شرح و بسط هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۲.۱. ایدئولوژی سرکوب‌گرانه^۹ (امنیت‌گرا)

یکی از ایدئولوژی‌های حاکم در سیاست جنایی ایدئولوژی سرکوب‌گرانه می‌باشد، به این منظور که با ایجاد احساس ناامنی در مردم و مدیران و تصمیم‌گیران جامعه به علت افزایش ارتکاب جرائم کوچک و متوسط در سطح جامعه واکنش به بزه و بزه‌کار از شدت بیشتری برخوردار می‌گردد و در مقابل کوچک‌ترین جرم با شدت و خشونت واکنش نشان داده می‌شود. افزایش جرائم کوچک و متوسطی که مرتبط با بحران‌های اقتصادی و بیکاری می‌باشد به شدت در شهروندان ایجاد ناامنی می‌کند و این افراد را به سمت تحت فشار قرار دادن مسئولین و تصمیم‌گیران سیاست جنایی برای برخوردی شدیدتر با جرم و بزه می‌کشاند، مسئولین و تصمیم‌گیرانی که ناچار به پذیرفتن دل‌مشغولی‌های افراد جامعه برای پیروزی و رأی آوردن در دوره انتخابات آتی می‌باشند. همان‌طور که آقای ژان کلودشیر به درستی بیان کرده است: «این ایدئولوژی از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های انتخاباتی تفکیک ناپذیر است».

به نظر می‌رسد، که افراد جامعه با این ایدئولوژی بیشتر هماهنگ باشند و خواستار آن هستند، که با جرائم با شدت بیشتری برخورد شود، نمونه عملی این تئوری

تأثیر سیاست جنایی سرکوب‌گرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۶۷

را می‌توان در خط مشی نمایندگان که در هر دوره توسط مردم همان کشور انتخاب می‌شوند ملاحظه کرد. به عنوان مثال می‌توان به انتخاب آقای سارکوزی به ریاست جمهوری فرانسه یا جرج دلبیوبوش به ریاست جمهوری ایالات متحده اشاره نمود، که با مطرح نمودن شعارها و ایدئولوژی امنیت‌گرا از قبیل مبارزه با تروریسم و امنیت جهانی، در این کشورها توانستند آرای بیشتری کسب نمایند.

نکته قابل توجه این است، که روی‌کرد مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی حتی در کشورهایی هم که نقطه مقابل این ایدئولوژی را برگزیدند، در برخی مواقع به سمت این ایدئولوژی (ایدئولوژی سرکوب‌گرانه) منعطف شده است؛ «به عنوان نمونه در فرانسه با حاکم بودن ایدئولوژی بازپذیری و اصلاح و درمان مجرم، تا روی کار آمدن آقای سارکوزی، می‌توان به تصویب قوانینی که روی‌کرد سرکوب‌گرانه داشته‌اند، اشاره نمود، که در این راستا می‌توان به قانون مشهور به «امنیت و آزادی»^{۲۰} مصوب ۲ فوریه ۱۹۸۱ اشاره نمود، که این قانون در جهت شدت بخشیدن به مجازات‌ها و تدابیر علیه مجرمان خشن و خطرناک می‌باشد، همچنین قانون اول فوریه ۱۹۹۴ که تخفیف ناپذیری را در مورد بعضی جرائم از قبیل قتل با سبق تصمیم، تجاوز به عنف به صغیر ۱۵ ساله و قتل او، قتل صغیر ۱۵ ساله، قتل شخص بسیار آسیب‌پذیر به لحاظ سن، معلولیت و بیماری ایجاد کرده است، نمونه‌ای دیگر از به کار بردن این سیاست به شمار می‌رود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴)

۲.۲. ایدئولوژی بازپذیری^{۲۱}

ایدئولوژی بازپذیری در نقطه مقابل ایدئولوژی سرکوب‌گرانه قرار می‌گیرد. این ایدئولوژی بر خلاف ایدئولوژی سرکوب‌گرانه بیش‌تر همبستگی را می‌طلبد، تا دل‌نگرانی شهروند در مقابل جرم. در این دیدگاه مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی با این بینش که مجرم عضوی از جامعه است، که تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماع مرتکب فعل یا ترک فعل ناقض قانون گردیده است با وی برخورد می‌کنند، بنابراین آن‌ها با در نظر گرفتن این مطالب در راه اصلاح و درمان مجرم و نحوه پذیرش وی به

عنوان فردی از افراد جامعه گام برمی دارند. به عنوان نمونه می توان به روی کرد و توجه برخی کشورها به عدالت ترمیمی^{۲۲}، نشست های بزه دیده - بزه کار^{۲۳}، حلقه یا محافل^{۲۴} و کانون های اصلاح و تربیت اشاره کرد، که این مجموعه ها با محوریت اصلاح مجرم و نحوه پذیرش وی در جامعه، تشکیل شده است.

۲.۳. ایدئولوژی اسلامی

در کنار این دو نوع ایدئولوژی، می توان به نگاه سوم و ایدئولوژی سومی اشاره نمود، که همان نگاه دینی بوده و لزوماً در قالب این دو ایدئولوژی قابل تعریف نمی باشد، در عین این که گزاره هایی از هر دو نوع نگاه را در خود جای داده است. با توجه به مجموعه ویژگی هایش یک نظام و سیستم خاص را تشکیل می دهد، که منحصر به فرد و خاص می باشد و به برخی از آن ها اشاره می شود.

۲.۳.۱. مشارکتی بودن

برخلاف مدل های اقتدارگرا که مشارکت جامعه مدنی صرفاً به صورت سرکوب گر در آن ها معنا می یابد، (شاکی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ص ۷۶) در سیاست جنایی اسلام مشارکت بزه دیده، بزه کار و جامعه مدنی بدون سرکوب گری طراحی و تشریح شده است، که برای نمونه می توان به حق تعقیب و مطالبه کیفر در جرائم حق الناس، حق عفو بزه کار یا صلح با او، حق دفاع مشروع و... برای بزه دیده اشاره نمود.

برای بزه کار، حقوقی همچون توبه در برخی جرائم حدی، اخذ رضایت بزه دیده، وجود اصل براءت و قاعده درء، قبول انکار پس از اقرار و... اشاره نمود. برای جامعه نیز گزاره هایی همچون مراقبت در قالب امر به معروف و نهی از منکر جهت پیشگیری از وقوع جرم و در مرحله واکنش علیه جرم، برخورد با مجرم و قطع جریان جرم، شهادت علیه مجرم، میانجی گری بین بزه کار و بزه دیده و حتی مجازات مجرمینی همچون مهدورالدم مطلق قابل ذکر می باشد.

۲.۳.۲. عنایت به عناصر قانونی و معنوی جرم

تحقق عنصر قانونی مورد تأکید قرآن کریم در اسراء آیه ۱۵)، روایات (محقق داماد، ۱۳۷۷، صص ۳۷-۳۵)، قاعده عقلی قبیح عقاب بلا بیان و فقها (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۹۰) می باشد. همچنین عطف بماسبق نشدن مورد تأیید و تأکید اسلام قرار دارد. (عوا، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۲۸)

در مورد عنصر معنوی اسلام با لازم دانستن عقل، بلوغ، قصد و اختیار جهت تحقق جرم، عملاً وجود عواملی همچون صغر، جنون، اجبار، اکراه، اضطراب، اشتباه، مستی و خواب را مانع انتساب عنوان مجرمانه به مرتکب می داند.

۲.۳.۳. دادرسی خاص

در مراحل مختلف دادرسی نوع نگاه خاص دین قابل تأمل می باشد. در مرحله قبل از اقامه دعوی، اصل برائت حاکم است و مهم ترین دلیل بر این مسأله، ضرورت اثبات دعوی از سوی مدعی به وسیله ادله اثبات دعوی می باشد، که در قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» متجلی می باشد. در مرحله اقامه دعوی و اثبات مجرمیت مشاهده می شود، که ادله اثبات دعوی در دعاوی جزایی بر خلاف دعاوی مدنی محدود و منحصر به ادله تعیین شده توسط شرع می باشد و این ادله نیز به راحتی قابل تحقق نیستند و موانعی همچون ضرورت احراز عدالت شهود نزد قاضی، وجود کمیت و کیفیت خاص برای اقرار و شهادت نزد قاضی، ضرورت مستند بودن علم قاضی، عدم امکان قیاس، وجود میانجیگری، قاعده درء، حق دفاع متهم و... همگی باعث صعوبت در این مرحله می گردد.

در مرحله محکومیت و اجرای مجازات نیز اختیارات حاکم در تعیین نوع تعزیر، عفو مجرم، قبول توبه وی، نهادهایی همچون تخفیف و تعلیق مجازات، آزادی مشروط و... شرایط را برای تطبیق عکس العمل با وضعیت بزه کار مساعد می سازد.

۲.۳.۴. نهاد عفو

نهاد عفو هم از سوی بزه‌دیده و هم از سوی حاکم قابل اعمال است. از سوی بزه‌دیده، در جرائم حق‌الناسی قبل از شکایت با پیگیری بزه‌کار یا اراده خود بزه‌دیده و پس از شکایت نیز به همین صورت قابل اعمال می‌باشد. از سوی حاکم نیز در جرائم تعزیری دست حاکم در مواردی جهت اعمال عفو باز است. در جرایم حدی نیز گاهی با توجه به قبل از دستگیری، مجازات در مورد بزه‌کار اعمال نمی‌شود. علاوه بر اینها عفو عمومی حاکم نیز که فعلاً تحت عنوان عفو رهبری در قانون اساسی منعکس شده است، از همین سنخ می‌باشد.

۲.۳.۵. تفکیک قوا

جدایی و انفکاک نهاد اجرایی در اسلام از نهاد قضا را می‌توان در مراجعه حضرت علی(ع)، به همراه یک یهودی به دادگاه مشاهده نمود، که اگر چه قوه مجریه در قالب پیشگیری عام و غیرمستقیم از وقوع جرم در جامعه نقش دارد و گاهی در قالب‌های اداری با تخلفات اداری برخورد می‌نماید، اما در مجموع منفک از امر قضا فعالیت می‌نماید و از ادغام و همپوشانی این دو و وقوع مفاسد ناشی از آن جلوگیری شده است. هدف از ذکر ویژگی‌های فوق که برخی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام می‌باشند این بود، که معلوم شود این مدل سیاست جنایی در قالب‌ها و تقسیم‌بندی‌های معمول قابل تعریف نیست و اگرچه برخی مشخصات ایدئولوژی سرکوب‌گر یا بازپذیر در آن قابل مشاهده است، اما در هیچ‌کدام از این دو قالب به‌طور تام و کامل قابل تعریف نمی‌باشد.

۳. جنبش‌های سرکوب‌گر^{۲۵}

بعد از جنگ جهانی دوم با حاکم شدن مکتب اصالت فرد، روی‌کرد مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به سمت ایدئولوژی بازپذیری مجرم معطوف گردید و در این راستا به اصلاح و درمان مجرم و بزه‌کار بیشتر پرداخته شد و دوره‌ای را اکثر کشورها به مباحث اصلاح و درمان مجرم اختصاص دادند، لکن این روی‌کرد و

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۷۱

ایدئولوژی نتوانست اهداف مسئولین سیاست جنایی و خواسته افراد جامعه را تأمین کند، به همین دلیل است که در حال حاضر جای خود را به ایدئولوژی سرکوبگرانه داده است.

ایدئولوژی بازپذیری به علت این که عموم مردم واکنش سریع دولت‌مردان را در قبال روند رو به رشد بزه‌کاری خواستار بودند، نتوانست از مقبولیت عامه مردم برخوردار شود زیرا لازمه این ایدئولوژی برخورد طولانی مدت با بزه‌کار در راستای اصلاح و درمان و بازپروری^{۲۶} وی بود، در حالی که در اکثر کشورها شهروندان از روند رو به رشد بزه‌کاری و پیامد احساس ناامنی که در اثر افزایش ارتکاب جرائم به وجود می‌آمد، نگران بوده و برخورد سریع و شدید مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی را خواستار می‌شدند. همچنین افراد جامعه نسبت به توانایی دولت برای مقابله با جرم از طریق اقدامات رفاهی که عموماً به نفع مجرم است و امتیازهایی را برای وی به همراه دارد، اعتماد کافی ندارد و معمولاً افزایش آمارهای ارتکاب جرائم از سوی مجرمین بر کاهش این اعتماد از سوی شهروندان تأثیرگذار است. به عنوان نمونه می‌توانیم به نرخ قتل در فرانسه اشاره کنیم، که برای هر صد هزار نفر در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ به ترتیب ۲/۶ و ۲ مورد بوده است، که این افزایش نرخ ارتکاب قتل نسبت به دهه‌های قبل موجب گردید، تا در سال ۱۹۹۴، ۷۴ درصد از فرانسویان ترس از وقوع جنایت^{۲۷} را بسیار نگران‌کننده و یا حتی فوق‌العاده نگران‌کننده بدانند. (کاشفی اسماعیل‌زاده،، ۱۳۸۴، ص ۲۶۰) به همین ترتیب چنین واکنشی را می‌توان در ایالات متحده آمریکا مشاهده نمود؛ در سال ۱۹۹۵، ۱/۷ میلیون جرم خشونت‌آمیز^{۲۸} به ثبت رسیده است، به عبارت دیگر در هر ۲۲ دقیقه یک قتل عمد^{۲۹} و در هر ۵ دقیقه یک تجاوز^{۳۰} و در هر ۳۰ دقیقه یک حمله مسلحانه صورت گرفته است. همچنین نرخ قتل^{۳۱} برای هر صد هزار نفر در ایالات متحده در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۳ به ترتیب ۱۰ و ۹/۳ مورد اعلام شده است. در ایالات متحده در سال ۱۹۹۱، ۳۸۳۱۷ نفر با سلاح‌های گرم خودکشی^{۳۲} کردند، به عبارت دیگر ۱۰۰ خودکشی در روز. این آمار منتشره از وقوع جرائم، سبب شد، که در

سال ۱۹۹۳، آمریکائیان برای اولین بار ترس از جنایت را نخستین نگرانی خود اعلام کنند.^{۳۳} این ترس و خواسته عموم مردم باعث فشار بر مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی شد، تا ایدئولوژی سرکوب‌گرانه را به جای بازپذیری مدنظر قرار دهند.

در کنار این موانع، وجود مشکلات دیگری از قبیل هزینه‌بر بودن روی‌کرد بازپروری و اصلاح‌مدار و همچنین تکرار جرم از سوی مجرمین تحت درمان، زمینه‌های ایجاد مقبولیت ضمنی مردم از جنبش‌های سرکوب‌گر را در یک دهه اخیر فراهم ساخت. جنبش‌های سرکوب‌گر که ایدئولوژی امنیت‌گرا (سرکوب‌گرانه) را مدنظر خود قرار می‌دهند، جنبش‌هایی هستند، که از یک سو نظارت بر مجرم، گروه‌های بزه‌کار، افراد در معرض ارتکاب جرم یا منحرف و کنترل آنان را فوق‌العاده تشدید و فنی می‌کند و از سوی دیگر به نفی اقدام‌های بازپروری مجرم و اقدام‌های پیشگیریانه^{۳۴} از جرم و حمایت از بزه دیده می‌پردازد. (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵) با توجه به تعریفی که از جنبش‌های سرکوب‌گر ارائه شده است، این جنبش‌ها به گسترش شبکه کنترل اجتماعی و دولتی و همچنین محدودسازی و بعضاً حذف حقوق و آزادی‌های فردی همانند اصل برائت و آزادی‌های اجتماعی از قبیل حق تظاهرات و رأی دادن می‌انجامد. از نتایج این پیشگیری و مراقبت‌های سخت کاهش ارتکاب جرائم در جوامع و رضایت‌مندی شهروندان از وجود امنیت می‌باشد. لکن سؤال اساسی که در این مقطع مطرح می‌گردد، این است که نمادهای بازگشت به کیفر و سیاست جنایی سرکوب‌گر در کشورها چیست؟ نمادها و علائم بازگشت به کیفر را باید اولاً در وضع قوانین تشدید کننده مجازات و ثانیاً تمایل مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به جرم‌انگاری‌های متعدد و ثالثاً در افزایش تمایل کشورها به مجازات‌های اعدام^{۳۵} و زندان^{۳۶} جست‌وجو کرد. وضع و تصویب قانون مشهور به «امنیت و آزادی» مصوب ۲ فوریه ۱۹۸۱ و قانون اول فوریه ۱۹۹۴ در فرانسه و همچنین افزایش رویه‌ها و احکام منجر به اعدام و حبس ابد در ایالات متحده و کشورهای تابع نظام کامن‌لا تا حدی که ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ در ردیف ۸ کشوری که ۸۴٪ اعدام‌های جهانی در آن‌ها صورت می‌گیرد قرار

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام^{۱۷۳} گرفت و این که تعداد زندانیان به طور کلی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در ایالات متحده ۷۰۰ نفر، روسیه ۶۷۱ نفر، پرتغال ۱۳۲ نفر، انگلستان ۱۲۱ نفر و فرانسه ۷۷/۱ نفر می باشد، خود دلیلی بر حاکم شدن این روی کرد در اکثر کشورها می باشد.^{۳۷} در ایران نیز اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در سال ۱۳۸۶ و استقبال ۸۴٪ مردم از چنین برخورد و واکنشی می تواند از تمایل مردم به روی کرد سرکوبگرانه در برخورد با مجرمین و منحرفین اجتماعی حکایت می کند و دیگر این که مدیران و تصمیم گیران سیاست جنایی خود نیز این روی کرد را در شرایط فعلی و در حال حاضر مورد توجه قرار می دهند.^{۳۸}

۴. عوامل تمرکز کشورها بر جنبش های سرکوب گر کیفری

در این بخش تنها به بیان سه عامل از عوامل تمرکز کشورها بر جنبش های سرکوب گر کیفری می پردازیم:

۴.۱. مؤثر واقع نشدن روی کردهای بازپروری و اصلاح مدار

همان طور که به تفصیل در قسمت های قبل بیان گردید، روی کردهای بازپروری و اصلاح مدار مشکلات و نواقص متعددی را به همراه داشتند، که مهم ترین آنها عدم اعتماد مردم به مجریان و تصمیم گیران سیاست جنایی با روی کرد بازپروری و اصلاح و درمان بود، در این زمینه مارک آنسل پایه گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین بیان می کند: «بی تردید سیاست جنایی دفاع اجتماعی در صورتی شایسته این نام است، که تحولات افکار عمومی را بیشتر در نظر بگیرد». نخستین ضعف در شکست عملی درمان و اصلاح متجلی می شود، که معمولاً اکثر نویسندگان، حتی نویسندگان طرفدار دفاع اجتماعی، به این شکست اذعان دارند. (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷) همچنین افراد جامعه در قبال روند روبه رشد بزه کاری در جوامع خواستار برخورد قاطع و شدید مسئولین سیاست جنایی نسبت به مجرمین هستند. همین مسأله موجب شد، تا آنسل در کتاب دفاع اجتماعی خود بیان کند؛ «دفاع اجتماعی مدعی نفی واقعیت خشونت نیست،

۱۷۴ علی غلامی و محمد مهدی رحیمی

هم‌چنان‌که ضرورت ابراز واکنش در قبال برخی مجرمین خطرناک را مورد انکار قرار نمی‌دهد». (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲)

در کنار این مشکلات عوامل دیگری همچون تکرار جرم از سوی بزه‌کار تحت درمان و هزینه‌بر بودن این روی‌کرد برای جامعه و شهروندان از موجبات کاهش مقبولیت این روی‌کرد به شمار می‌رود و مضافاً این‌که با صرف هزینه‌های کلان برای اصلاح و درمان بیشتر مجرمین تحت درمان پس از گذراندن کورس و دوره‌های درمان به تکرار جرم پرداخته و تمام زحمات و بودجه‌های تخصیص داده شده را هدر می‌دهند. بنابراین با توجه به مشکلات عدیده این روی‌کرد، مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی تمایل شگرفی به ایدئولوژی سرکوب‌گرانه در راستای کسب حمایت مردم و اختصاص بودجه کمتری برای مجرمین از خود نشان می‌دهند.

۴.۲. رسانه‌ای شدن رویکردها به بزه‌کاری

رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ای خاص حساس کنند و یا عکس از حادثه‌ای مهم، خبری خنثی و کم اهمیت بسازند. به این ترتیب رسانه‌ها از یک سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزه‌کاری و تشویق افراد مستعد ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم می‌توانند در کاهش وقوع جرائم و تأمین احساس امنیت مؤثر باشند. (فرجی‌ها، ۱۳۸۵، ص ۵۸) رسانه‌ها زمینه‌ترس اساساً غیرموجه از بزه‌دیده واقع شدن را فراهم می‌سازند. آقای مارش در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی پوشش خبری جرم در روزنامه‌های امریکا و دیگر کشورها» با تحلیل محتوای ۳۶ روزنامه آمریکایی و بررسی ۲۰ پژوهش دیگر در ۱۴ کشور جهان در دهه‌های هفتاد و هشتاد، به این نتیجه رسید، که جرم‌های خشونت‌آمیز بسیار بیشتر از آنچه در آمارهای رسمی^{۳۹}

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۷۵

آمده، در روزنامه‌ها بازتاب داشته است. ولی، در مقابل، درصد گزارش جرم علیه اموال در روزنامه‌ها بسیار کمتر از میزان ارتکاب آن بوده است.

به عبارت دقیق‌تر نسبت گزارش‌های مربوط به جرم‌های خشونت‌آمیز به جرایم علیه اموال^{۴۰} در این روزنامه‌ها ۸ به ۲ بوده است؛ یعنی سهم گزارش‌های مربوط به جرایم علیه اموال یک چهارم جرم‌های خشونت‌آمیز بوده در حالی که در طول دوره مورد مطالعه، بر اساس آمارهای رسمی، جرایم علیه اموال ۹ برابر بیشتر از جرایم خشونت‌آمیز رخ داده است. (Marsh, 1991, p: 55)

تحقیق دیگری که در کشور آرژانتین انجام شد، نشان دهنده تحریف در بازتاب رویدادهای جنایی در روزنامه‌های پرتیراژ این کشور بود. بر اساس آمارهای ارائه شده در این تحقیق ۴۰ درصد از جرم‌های گزارش شده در روزنامه‌ها به جرایم علیه اشخاص^{۴۱} اختصاص داده شده بود، در حالی که میزان واقعی این جرایم بر اساس آمارهای رسمی از ۱۷ درصد تجاوز نمی‌کرد.

در مقابل، در حالی که جرایم علیه اموال حدود ۷۰ درصد جرایم ارتكابی در این کشور را تشکیل می‌داد، فقط ۱۸/۷ درصد از جرایم گزارش شده به این دسته از جرایم اشاره کرده بود.

بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، رسانه‌ها در ایجاد ترس از بزه دیده واقع شدن با به تصویر کشاندن و بیان جرایم علیه اشخاص نقش به‌سزایی را ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها هستند، که با ملتهب نشان دادن فضای جامعه به‌واسطه ارتکاب جرایم، افراد جامعه را برای تحت فشار قرار دادن مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی بسیج می‌کنند و مدیران سیاست جنایی نیز به تناسب این فشارها در راستای اعمال مجازات‌های شدید و کنترل بزه‌کار گام بر می‌دارند.

۴.۳. افزایش بزه‌دیدگی

با وجود ایرادهای عمده‌ای که به درستی، دقت و کارکرد آمار جنایی گرفته شده است، این آمار افزایش میزان جرائم و تعداد بزه‌دیدگی را به خوبی نشان می‌دهد، به

عنوان نمونه می‌توانیم به نرخ ارتکاب جرایم در سالهای ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۳ در ایالات متحده اشاره کنیم که رشد تصاعدی و صعودی داشته است. در سال ۱۹۸۹ نرخ ارتکاب جرم تجاوز به عنف در جمعیت دویست و چهل و هشت میلیون و دویست و سی و نه هزار نفره ایالات متحده، ۹۴۵۰۰ مورد بوده است، به عبارت دیگر در هر ۶ دقیقه یک تجاوز به عنف صورت گرفته است. به همین ترتیب در سال ۱۹۹۰، ۱۰۲۵۶۰ مورد تجاوز به عنف ارتکاب یافته است. در سال ۱۹۹۲ نیز این نرخ، افزایش بی‌سابقه خود را طی ۳۰ سال اخیر نشان داد و به حدود ۱۰۹۰۶۰ تجاوز به عنف افزایش یافت که بیانگر این است در هر ۵ دقیقه یک تجاوز به عنف رخ داده است.^{۴۲} جدول زیر نرخ افزایش جرایم و بزه‌دیدی در ایالات متحده در بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ را به خوبی نشان می‌دهد.

سال	جرایم خشونت‌آمیز ^{۴۳}	قتل عمدی ^{۴۴}	تجاوز به عنف ^{۴۵}	ورود غیر مجاز به ساختمان به قصد ارتکاب سرقت، تجاوز جنسی، ایراد ضرب و جرح یا تخریب ^{۴۶}
۱۹۸۹	۱۶۴۶۰۴۰	۲۱۵۰۰	۹۴۵۰۰	۳۱۶۸۲۰۰
۱۹۹۰	۱۸۲۰۱۳۰	۲۳۴۴۰	۱۰۲۵۶۰	۳۰۷۳۹۰۰
۱۹۹۱	۱۹۱۱۷۷۰	۲۴۷۰۰	۱۰۶۵۹۰	۳۱۵۷۲۰۰
۱۹۹۲	۱۹۳۲۲۷۰	۲۳۷۶۰	۱۰۹۰۶۰	۲۹۷۹۹۰۰
۱۹۹۳	۱۹۲۶۰۲۰	۲۴۵۳۰	۱۰۶۰۱۰	۲۸۳۴۸۰۰

Source: FBI, Uniform Crime Reports

به عنوان نمونه دیگری برای افزایش نرخ ارتکاب جرایم و بزه‌دیدی به افزایش این نرخ در جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنیم. طی مصاحبه‌ای که رئیس پلیس وقت تهران، سردار طلایی در سال ۱۳۸۴ انجام داده است، چنین بیان کرد که جرایم مسلحانه و تجاوز به عنف در تهران روبه افزایش است و به‌رغم کاهش سرقت‌های عادی، سرقت به عنف از رشد قابل توجهی برخوردار است. همچنین وی در ادامه خاطر نشان

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۷۷

کرد که در سال جاری در تهران ۱۰۰ درصد افزایش سلاح‌های گرم داشته‌ایم و عدم طرح ضربتی در رابطه با العنف ما را با مشکلات جدی و عدیده‌ای مواجهه ساخته است. در سال جاری نیز ۱۲ سرقت از بانک به وقوع پیوسته است. افزایش نرخ ارتکاب و بزه‌دیدگی، مسئولین و تصمیم‌گیران سیاست جنایی در ایالات متحده را به سمت سیاست جنایی سرکوب‌گرانه و در جمهوری اسلامی ایران نیز به سمت اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی سوق داده است.

۴.۴. تأثیر اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی بر میزان نرخ جرائم^{۴۷}

طرح ارتقاء امنیت اجتماعی که به تبع با افزایش ارتکاب برخی جرائم و بزه‌دیدگی‌ها در اوایل سال ۱۳۸۶ به مرحله اجرا گذاشته شد، از آن جهت که در قالب سیاست جنایی سرکوب‌گرانه قرار می‌گیرد و از آثار و تبعات شرح داده شده این نوع سیاست در قسمت‌های سابق برخوردار می‌شود، قابل بررسی است. این طرح که از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و در طی چندین مرحله به اجرا گذاشته شد، در بخش‌های مختلف قابل ارزیابی می‌باشد. مهم‌ترین پیامد سیاست جنایی امنیت‌گرا (سرکوب‌گرانه) کاهش ارتکاب جرائم و بزه‌دیدگی می‌باشد، که بنابر گفته فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در طی ۶ ماه اول اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی، آمار قتل در کشور با کاهش ۱۶ درصدی مواجهه بوده است.

آمار جرائم، وقایع، کشفیات در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶

تغییرات	سال ۱۳۸۶	سال ۱۳۸۵	جرائم و کشفیات
-۷٪	۹۹۲۶۹	۱۰۶۶۲۰	سرقت‌های مهم
۱٪	۱۰۱۴۹۳	۱۰۰۶۴۸	سرقت‌های خرد
-۳٪	۲۰۰۷۶۲	۲۰۷۲۶۸	کل سرقت‌ها
۱۱٪	۷۹٪	۶۸٪	درصد کشف به وقوع کل سرقت‌ها
-۳۲٪	۷۴۴	۱۰۹۳	سرقت مسلحانه
۰٪	۵۳	۵۳	سرقت بانک
-۱۸٪	۱۲۹۵۰	۱۵۷۵۹	سرقت اتومبیل
-۴٪	۲۴۱۷۲	۲۵۲۵۶	سرقت منزل
-۲۴٪	۵۶۲	۷۴۳	آدم ربایی و گروگان‌گیری
-۱۴٪	۱۹۷۲	۲۲۸۶	قتل
۳۹٪	۴۹۱۱۴۴	۳۵۳۴۲۸	کشفیات مواد مخدر (کیلوگرم)
۱٪	۲۶۴۵۴	۲۶۲۱۲	کشفیات سلاح
۸۴٪	۴۱۲۶۱۴	۲۲۴۱۴۵	کشفیات تجهیزات ماهواره‌ای
-۴٪	۴۷۳۳۱۴۸	۴۹۴۰۴۹۹	کشفیات مشروبات الکلی
۹٪	۱۲۲۰۹	۱۱۲۲۹	دستگیری افراد شرور
۲۱٪	۲۵۸۰۲۴	۲۱۳۴۵۰	دستگیرشدگان مفاسد اجتماعی

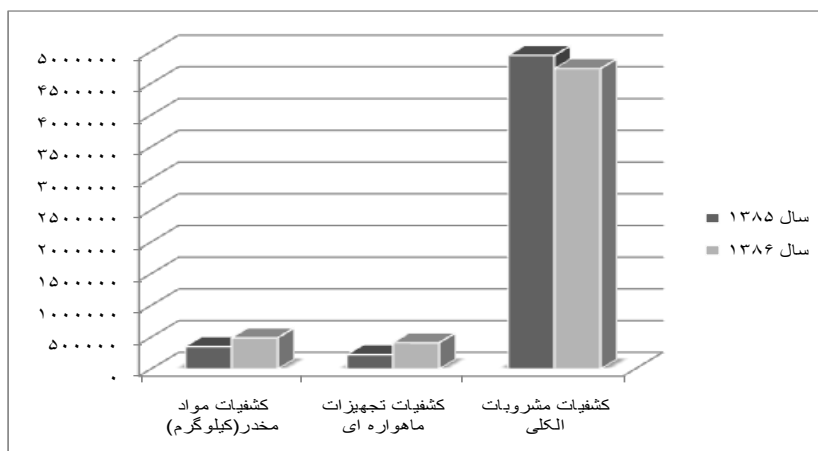
همان‌طور که در جدول ارائه شده قابل مشاهده است، کل سرقت‌ها در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۵ با کاهش ۳ درصدی همراه بوده است و از ۲۰۷۲۶۸ فقره در سال ۱۳۸۵ به ۲۰۰۷۶۲ فقره در سال ۱۳۸۶ کاهش پیدا کرده است، همچنین جرائم آدم ربایی، گروگان‌گیری و قتل نیز به ترتیب ۲۴ و ۱۴ درصد کاهش یافته است، که تمام این موارد نشان دهنده تأثیر سیاست جنایی سرکوب‌گرانه بر کاهش میزان نرخ ارتکاب جرائم در مدت اجرای یک‌ساله این طرح می‌باشد.

با بررسی و تحلیل‌های صورت گرفته در مورد سیاست جنایی سرکوب‌گرانه و جدول ارائه شده می‌توان به یک رابطه مستقیم بین کشفیات و دستگیری مجرمین با

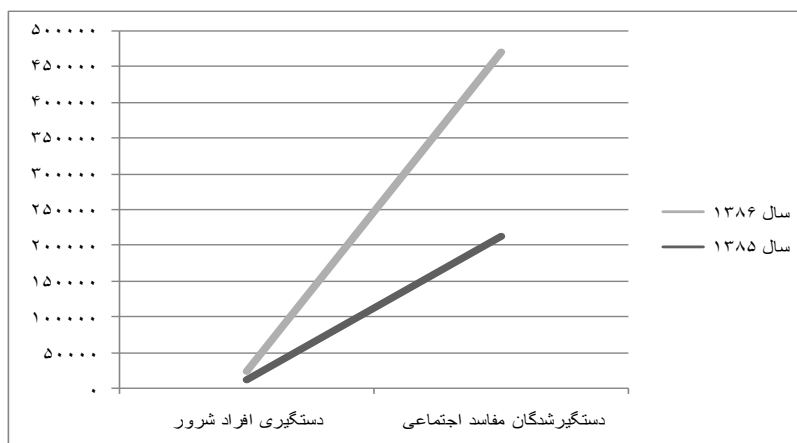
تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۷۹

میزان ارتکاب جرائم دست یافت و آن این که با افزایش شدت کنترل اجتماعی پلیس و سرکوب مجرمین میزان ارتکاب جرائم کاهش یافته است.

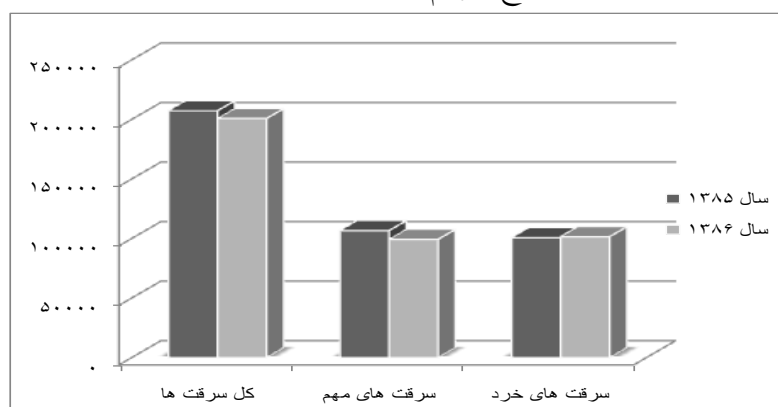
جدول کشفیات نیروی انتظامی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶



نمودار دستگیری افراد شرور و مفسد اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶



جدول وقوع جرائم در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶



به عنوان نمونه دیگری برای اثر کاهش دهنده اجرای این طرح در میزان نرخ ارتکاب جرائم می‌توان به اظهارات رئیس پلیس کرمانشاه بعد از اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی اشاره کرد؛ وی از کاهش ۱۶/۴ درصدی تعداد سرقت‌های خرد و کلان در استان کرمانشاه خبر داد، همچنین بیان کرد میزان وقوع قتل در سال ۱۳۸۵ در استان کرمانشاه ۷۰ فقره بوده است که امسال با کاهش ۸/۵ درصدی به ۶۴ فقره قتل کاهش یافته است و در سال ۱۳۸۵، ۵۶ قاتل دستگیر شده و امسال با افزایش ۳/۳ درصدی کشفیات قاتلین، این نرخ به ۷۳ قاتل افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۶ آمار چاقوکشی و قمه‌کشی در استان کرمانشاه ۴۶/۲ درصد کاهش یافته است.

باین‌حال مشاهده می‌کنیم، که با اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی که از سیاست جنایی سرکوب‌گرانه (امنیت‌گرا) الگوبرداری شده است میزان نرخ ارتکاب جرائم در ایران به نحو چشم‌گیری کاهش یافته است و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان نیز از اجرای چنین طرحی اعلام رضایت کرده‌اند. (بنابر اظهارات فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در حدود ۸۵٪ از شهروندان از اجرای طرح امنیت اجتماعی ابزار رضایت و خرسندی کردند)

۵. نتیجه‌گیری

با توجه و عنایت به مطالب و آمارهای مطروحه در مباحث گذشته به این باور می‌رسیم که با توجه به معضلات اجرای ایدئولوژی بازپذیری که عبارت بودند از افزایش نرخ ارتکاب جرائم و احساس ناامنی در میان شهروندان، پرهزینه بودن اجرای این ایدئولوژی و عدم نتیجه کامل در جهت اصلاح مجرم، مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی در کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان و برخی کشورهای دیگر رویکرد خود را به سمت سیاست جنایی سرکوبگرانه متمایل کرده‌اند.

بنابراین شایسته است، اساتید و علماء حقوق با طرح نکات قوت و ضعف سیاست جنایی سرکوبگرانه و اهتمام در کاهش این نقاط ضعف در تقویت این رویکرد و ترغیب مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی تلاش کنند. سیاستی که به قطع پس از دوره‌ای آزمون و خطا در غرب از سوی اساتید و دانشمندان علوم اجتماعی و مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی و همچنین شهروندان و افراد جامعه انتخاب و مورد قبول واقع گردیده است. با وجود این باید کاملاً توجه داشت تا از افراط در این زمینه جلوگیری کرد و از این‌که جامعه و آزادی‌های آن که دست‌رنج سال‌ها مبارزه و تلاش‌های انسان‌های آزادی‌خواه بوده است مورد تهدید واقع شود خوداری کرد و از سیاست جنایی سرکوب‌گرانه به عنوان وسیله‌ای برای ترویج خشونت در جامعه استفاده نکرد. لذا مسئولین و تصمیم‌گیران سیاست جنایی می‌بایست بین جرائمی که به‌طور مستقیم و جدی نظم عمومی و امنیت جامعه و شهروندان را تهدید می‌کنند و سایر جرائم تفکیک قائل شوند، به عبارت دیگر مسئولین و تصمیم‌گیران سیاست جنایی با اتخاذ رویکرد سرکوب‌گرانه در جرائمی که نظم عمومی و امنیت جامعه و شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد از تسری آن به سایر جرائم خوداری کنند. همان‌طور که در بخش‌های مختلف مقاله توضیح داده شد سیاست جنایی سرکوب‌گرانه در کشورهای غربی نیز در جرائمی مورد توجه واقع شده است، که ارتباط تنگاتنگی با نظم عمومی و

امنیت اجتماع دارند. البته این روی‌کرد منافاتی با نگاه دین و سیاست جنایی اسلام در این موضوع ندارد اما همان‌طور که در بخش‌های قبل بیان شد، نگاه سیاست جنایی اسلام در درجه اول نگاه پیشگیرانه عام و خاص نسبت به بزه‌کاری می‌باشد و حتی در جرایمی که جنبه عمومی آن غلبه دارد (حق‌الله)، اصراری بر مجازات بزه‌کار ندارد و توصیه‌هایی همچون توبه بین خود و خدا و جبران مافات را توصیه می‌نماید تا به بازپذیری مجرم و بازگشت او به جامعه کمک نماید. اما در صورتی که بزه‌کاری یک فرد با ادله اثبات دعوی به صورت قانونی و مشروع به اثبات رسید، دین در اعمال مجازات فرد بزه‌کار اهمال نمی‌نماید، که البته در این‌جا نیز نوع جرم ارتكابی و آثار آن مهم می‌باشد. به‌طور مثال برخی از انواع زنا که با اقرار ثابت می‌شود با توبه زانی یا زانیه و قبول حاکم قابل عفو می‌باشد، اما در صورتی که زنا با بینه اثبات شود، مجازات تحت هیچ عنوان تعطیل نمی‌شود و اتفاقاً قرآن کریم در چنین موردی تأکید می‌نماید، که مجریان اعمال مجازات در مقام انجام وظیفه دچار رأفت و ترحم بی‌مورد نشوند و مطابق آنچه دین امر نموده بدون افراط یا تفریط عمل نمایند. این تبیین حاکی از آن است، که چگونه دین در جایی بازپذیر و در جایی سرکوب‌گر عمل می‌نماید.

بنابراین پیشنهاد ارائه شده با توجه به آمار و اطلاعات ارائه گردیده و روی‌کرد کشورهای موفق در زمینه سیاست جنایی بدین شرح است، که مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی با اتخاذ سیاست جنایی سرکوب‌گرانه در جرائمی که نظم عمومی و امنیت جامعه و شهروندان را تهدید می‌کند می‌توانند در زمینه کنترل و کاهش ارتكاب جرائم و همچنین افزایش احساس امنیت در بین شهروندان گام مؤثری را بردارند. البته نکته‌ای که می‌بایست در این رابطه مورد مطمح نظر قرار داد این است، که در اجرای این نوع سیاست جنایی باید اولاً بین جرایمی که به‌طور مستقیم امنیت و آسایش عمومی را هدف قرار می‌دهند و سایر جرایم تفکیک قائل شویم و همان‌طور که اشاره گردید، این سیاست را در جرایم نوع اول اتخاذ نماییم و ثانیاً با برداشتن گام‌های مؤثر در راستای تحکیم مبانی و پایه‌های حقوق شهروندی نسبت به مهمترین خطر اعمال

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۸۳
این نوع سیاست یعنی بی‌ثباتی و سقوط دولت قانون مدار که اساسی‌ترین حافظ حقوق
و آزادی‌های فردی و اجتماعی است اقدام نماییم.

یادداشت‌ها

- 1- Criminal Sciences
- 2- Legal Criminal Sciences
- 3- what ought to be
- 4- Empirical Criminal Sciences
- 5- Penal Justice
- 6- Criminal Policy
- 7- Crimes Rate
- 8- Social Response
- 9- Anselm Von Feuerbach
- 10- Prevention
- 11- Von Liszt
- 12- Donnedieu De Vabres
- 13- La Politique Criminella Des Etats a Utoritaires
- 14- Delmas Marty
- 15- Mode'les Et Mouvements de Politique Criminella
- 16- Christine Lazerge

۱۷- خود عالی یا همان خود انسانی در مقابل خود دانی یا حیوانی به آن بخش از وجود انسان گفته می‌شود که ناظر به وجه افتراق او از حیوانات می‌باشد و به عبارتی همان بخش اختصاصی بشر یعنی فطرت می‌باشد. برای مطالعه بیشتر در این مورد، ر. ک: صدگفتار، صص ۱۱۵-۱۱۴.

- 18- Approach
- 19- Repressive Ideology
- 20- Security and Freedom
- 21- Reintegration Ideology
- 22- Restorative Justice
- 23- Victim Offender Conferences(voc)
- 24- Circles
- 25- Repressive Movements
- 26- Rehabilitation
- 27- Fear of crime
- 28- Violent Crime
- 29- Murder
- 30- Rape
- 31- Homicide Rate
- 32- suicide
- 33- www. FBI. gov. com

- 34- Preventional Process
- 35- Capital punishment
- 36- Prison
- 37- www.ojp.usdoj.gov.com
- 38- www.police.ir
- 39- Formal Statistics
- 40- Offences Against Property
- 41- Offences Against The person
- 42- www.safety.fizber.com
- 43- Violent Crimes
- 44- Murder
- 45- Forcible Rape
- 46- Burglary

۴۷- آمار ارائه شده در این قسمت برگرفته از کتاب منتشر شده از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با عنوان گزیده عملکرد و اهم جرائم و رویدادها در سال ۱۳۸۶ می‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

منابع فارسی

۱. آنسل، مارک (۱۳۷۵)، *دفاع اجتماعی*، مترجم، آشوری، محمد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
۳. پرادل، ژان (۱۳۸۶)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، تهران: انتشارات سمت.
۴. دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۸۷)، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، مترجم: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: نشر میزان.
۵. شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵)، *سیاست جنایی اسلامی*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۶. عمیدزنجانی، عباسعلی، *قواعد فقه (بخش حقوق جزا)*، انتشارات سمت و موسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
۷. عوا، محمد (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام*، مترجم، روستایی صدرآبادی، حمید، تهران: انتشارات سلسبیل.
۸. فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵)، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره بیست و دوم.
۹. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی؛ علل و جلوه‌ها»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۱۶-۱۵.
۱۰. گزیده عملکرد ناجا و اهم جرائم و رویدادها (۱۳۸۷)، معاونت عملیات ناجا، شماره چهارم.
۱۱. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، *درآمدی به سیاست جنایی*، مترجم: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: نشر میزان.

تأثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ۱۸۷

۱۲. لازرژ، کریستین (۱۳۷۵)، سیاست جنایی، مترجم، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: نشر یلدا.

۱۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۷)، اصول فقه، دفتر سوم، تهران: نشر علوم اسلامی.

۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، تقریرات درسی جرم شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. نهمین کنگره پنج ساله سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (۱۹۹۵)، سند مبنا برای کارگاه رسانه‌های گروهی و پیشگیری از وقوع جرم؛ ترجمه شیلا مالکی، دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور، ۱۳۷۴.

منابع لاتین

1. Delmas Marty, Mireille (1983). *Mode'les. Et Mouvements de Politique. Criminella. Economica.*
2. Donnedieu de Vabres, (tenri (1938). *La Politique Criminella Des Etats a Utoritaires*, Paris.
3. Marsh, H. L (1991) *A Comparative Analysis of Crime Coverage in newspapers in the United states and Others Countries From 1960 – 1989*. 19(1).

سایت‌ها

1. [www. irna. com](http://www.irna.com) (۱۳۸۶/۱۱/۴۰)
2. [www. ojp. usdoj. gov. com](http://www.ojp.usdoj.gov.com)
3. [www. safety. fizber. com](http://www.safety.fizber.com)
4. [www. Police. ir](http://www.Police.ir) (۱۳۸۶/۰۶/۲۶)